

نامزدی در قانون مدنی و قانون احوال شخصیه^۱

چکیده

نامزدی یکی از موضوعاتی مهم حقوق خانواده است که از ابعاد مختلف مورد بحث واقع شده است و سوال‌های مهمی از قبیل اینکه: نامزدی با کدام شرایط محقق می‌شود؟ و در صورت تحقق، دارای چه آثار و پیامدهایی می‌باشد؟ و بعد از تحقق، اگر یکی از نامزدان آن را به هم بزند و موجب خسارت مادی و یا معنوی و یا هردو بر جانب مقابل بشود آیا به هم زننده در برابر طرف مقابل مسئولیت دارد؟ و در صورت بهم خوردن نامزدی تکلیف هدایا، عکس‌ها و نامه‌ها چه می‌شود؟ در این موضوع مطرح است؛ که در این تحقیق جواب این سوال‌ها با روش توصیفی-تحلیلی در قانون مدنی و قانون احوال شخصیه شیعیان افغانستان با هدف روشن ساختن تکالیف و حقوق نامزدان از دیدگاه قانون‌گذار افغانستان مورد جستجو قرار گرفته است؛ از نظر قانون‌گذار افغانستان، نامزدی یک قرارداد جایز است اما در عین حال در صورت بهم زدن آن بدون عذر موجه و یا دلیل قانونی، موجب مسئولیت مدنی است و این قرارداد هیچ‌کدام از نتایج قرارداد ازدواج را ندارد و عکس‌ها و نامه‌ها هم فی الجمله، قابل مطالبه است.

کلیدواژگان: نامزدی، قانون مدنی، قانون احوال شخصیه افغانستان.

مقدمه

در مواردی که دو شخص تصمیم به بستن پیمانی گرفته‌اند و در شرایط آن نیز هم به توافق رسیده‌اند؛ گاهی به دلیل موانع درونی یا موانع خارجی نمی‌توانند یا نمی‌خواهند، پیمان را در زمان حال به طور قطعی ایجاد نمایند؛ لذا برای ایجاد اطمینان و فراهم کردن زمینه ایجاد آن پیمان در آینده، طرفین در برابر یک دیگر تعهد می‌کنند که آن پیمان را در مدت معین و با همان شرایط توافقی، منعقد سازند. این تعهد مقدماتی را «وعده قرار داد» یا «پیش قرارداد» و یا «قولنامه» می‌گویند.

در مورد پیوند مقدس ازدواج نیز مرسوم است که قبل از ازدواج، مرد به خواستگاری زن می‌رود؛ در مورد زندگی آینده با هم گفت‌وگو می‌کنند و چه بسا پدر و مادر و باقی خویشاوندان نزدیک طرفین نیز در این قضیه دخالت می‌کنند و در مورد نیک و یا بد بودن این قضیه، تحقیق و تفکر و مشوره می‌نمایند. سرانجام اگر به توافق رسیدند با انجام دادن یک مراسم خاص، حلقه نامزدی و یا تحفه‌ای دیگر به دختر می‌دهند و با قبول این هدیه، نامزدی محقق می‌شود نامزدی در واقع یک پیمان مقدماتی است مبنی بر این که در وقت مورد توافق و با شرایطی که توافق شده است، طرفین پیمان قطعی زندگی مشترک را ببندند. طرفین با این پیمان مقدماتی می‌خواهند مطمئن شوند که طرف مقابل از توافقی‌های انجام شده بر نمی‌گردد و در وقت مقرر، پیمان قطعی را ایجاد خواهد داد و این اطمینان باعث می‌شود که طرفین برای فراهم کردن زمینه‌ی ایجاد پیمان قطعی تلاش کنند.

این تحقیق در صدد آن است که نامزدی را در قانون مدنی و قانون احوال شخصیه شیعیان افغانستان، مورد بررسی قرار دهد و روشن سازد که آیا نامزدی، مورد توجه قانونگذار افغانستان قرار گرفته است یا نه؟ اگر مورد توجه قرار گرفته است، دارای چه آثار و پیامدهایی می‌باشد؟ نامزدی با کدام شرایط محقق می‌شود؟ در صورتی که نامزدی از جانب یکی از طرفین نقض شود و باعث خسارت بر جانب مقابل گردد آیا بهم زنند نامزدی در برابر او مسئولیت دارد و یا نه؟ در فرض بهم خوردن نامزدی، وضع هدایا، نامه‌ها، عکس‌ها و... چگونه است؟ و از همه مهم‌تر، آیا نامزدی موجب تغییر در رابطه نامزدان می‌گردد یا نه؟ اگر در زمان نامزدی به اعتبار اینکه در آینده طرفین زوجه و زوج خواهد شد، مقاربت نمودند، قانون با این عمل ارتكابی چه برخوردی خواهد نمود، و اولاد پدید آمده از این مقاربت از نظر قانونی، چه وضعیتی دارد؟

با توجه به این که نامزدی در کشور افغانستان، مرسوم است و کمتر ازدواجی اتفاق می‌یافتد که قبل از آن نامزدی نباشد و حتی در میان برخی از اقوام و در برخی از مناطق کشور به دلایل، دو نفر چندین سال به عنوان نامزد باقی می‌مانند؛ گاهی بر اثر مشکلاتی، نامزدی بهم می‌خورد و به ازدواج منتهی نمی‌گردد؛ لذا ضروری است که این موضوع از نظر حقوقی مورد بحث و بررسی واقع شود تا هم حقوق و تکالیف نامزدان در دوران نامزدی روشن گردد و هم مردم به راه حل‌های قانونی در فرض

بروز مشکلات ناشی از بهم خوردن نامزدی دست یابند که در ادامه بعد از مفهوم شناسی نامزدی این موضوع را در حقوق افغانستان (قانون مدنی و قانون احوال شخصیه شیعیان افغانستان) مورد بررسی قرار می‌گیرد.

مفهوم نامزدی

در ذیل، واژه نامزدی در لغت و در اصطلاح حقوقدانان مورد بررسی قرار می‌گیرد.

نامزدی در لغت

نامزدی در لغت به معنای نامزد بودن است (دهخدا، ۱۳۴۱ ش، ص ۲۴۹) و به هر کدام از دختر و پسری که برای زناشویی قول و قرار گذاشته باشند، نامزد اطلاق می‌شود (حسن عمید، ۱۳۷۶ ش، ص ۱۱۵۱) از نظر لغوی نامزد وصف دختر و پسری است که بهم دیگر وعده ازدواج داده‌اند و قول و قرار قطعی برای ازدواج گذاشته‌اند.

نامزدی در اصطلاح حقوق دانان

از نظر حقوقی، تراضی دختر و پسر یا زن و مرد برای ازدواج در آینده، نامزدی یا وعده ازدواج نامیده می‌شود (گروهی از مؤلفان، ۱۳۸۷، ص ۱۷؛ علی عباس حیاتی، ۱۳۹۳، ص ۲۲ و مصطفی محقق داماد، ۱۳۹۰، ص ۲۷) در قانون افغانستان آمده است: نامزدی یا وعده ازدواج، قرار داد جایز است که به موجب آن زن و مرد توافق می‌کنند تا با هم ازدواج نمایند (قانون احوال شخصیه، م. ۵۷) در جای دیگر قانونگذار، نامزدی را وعده به ازدواج معنا نموده است که این وعده جایز التخلّف است (قانون مدنی، م. ۶۴) قانونگذار در قانون مدنی از نامزدی یک تعریف حقوقی ارائه نداده است، چون که تعبیر «وعده» یک مفهوم اخلاقی است و خوب بود قانونگذار به جای وعده از واژه تراضی یا توافق و یا قرارداد که رنگ حقوقی دارند استفاده می‌کرد. هر چند در اصطلاح حقوقی از نامزدی تعبیرهای مختلفی شده است؛ اما مقصود این است که دختر و پسر و یا مرد و زن برای انعقاد پیمان نکاح در آینده با هم قرار داد کرده‌اند از آنجاییکه نامزدی یک قرار داد است، در صورتی منعقد می‌گردد که شرایط عمومی قرار دادها و هم چنین شرایط ویژه‌ای را که قانونگذار برای آن در نظر گرفته است، دارا باشد؛ در ادامه به شرایط عمومی و شرایط اختصاصی نامزدی، اشاره می‌گردد:

شرایط عام و شرایط خاص تحقق نامزدی

توافقی که زن و مرد درباره زناشویی آینده خویش می‌کنند، از حیث ماهیت یک قرارداد است و تابع شرایط عمومی قراردادها است؛ باید طرفین قاصد و راضی باشند و برای پیمانی که می‌بندند باید اهلیت داشته باشد در نتیجه، وعده‌ای که شخص مست، دیوانه و یا کودک می‌دهد، هیچ اثر حقوقی

ندارد. قانونگذار در قانو احوال شخصیه چنین مقرر می‌دارد: «زن و مرد و یا شخصی که از طرف مرد خواستگاری و یا از طرف زن قبول می‌نماید، باید اهلیت داشته باشد» (قانون احوال شخصیه، م. ۷۴) مراد از اهلیت در بیان قانونگذار، اهلیت برای انعقاد قرارداد در زمان انعقاد قرارداد است؛ پس اگر قرارداد، قرارداد ایجاد عقد نکاح در آینده (قرارداد نامزدی) باشد، در صورتی این قرارداد اعتبار دارد، که متعهد در همان زمان تعهد، اهلیت داشته باشد و اهلیت او در زمان اجرای عقد نکاح یعنی در آینده، موجب صحت و اعتبار این قرارداد (قرارداد نامزدی)، نمی‌شود.

گذشته از این شرایط عمومی، برای درستی وعده نکاح لازم است که شرایط ویژه دیگر، نیز محقق باشد: زن مورد خواستگاری باید خالی از موانع نکاح باشد (قانون مدنی، م. ۸۱ الی ۸۵ و قانون احوال شخصیه، م. ۸۲ الی ۸۸) و مردی که طرف نامزدی قرار می‌گیرد نیز باید مانعی برای ازدواج نداشته باشد؛ مردی که ۴ زن دائم دارد و یا تمکن مالی برای اداره کردن چند زن ندارد، نمی‌تواند ازدواج مجدد نماید و در نتیجه نامزدی او هم از حمایت قانونی برخوردار نخواهد بود. قانون برای اهلیت ازدواج سن خاصی را هم برای مرد و هم برای زن، شرط نموده است (قانون احوال شخصیه، م. ۹۴ و قانون مدنی، م. ۷۰) بنابراین کسانی که در حین قرارداد نامزدی دارای سن قانونی نباشند، نامزدی آنها کان لم یکن است؛ اگر چند نامزدی آنها از طرف ولی دارای اهلیت با تقاضای از محکمه در صورت صلاح دید محکمه امکان دارد؛ چون مطابق قانون افغانستان ازدواج افراد زیر سن قانونی با تقاضای ولی از محکمه و تشخیص توسط آن، امکان پذیر است در نتیجه نامزدی آنها نیز با شرایط فوق الذکر امکان پذیر می‌باشد و باید مورد حمایت قانون قرار بگیرد.

وعده نکاح و رابطه‌ای زوجیه

در حقوق اروپایی، وعده ازدواج، اگر ناشی از تعهد هر دو طرف باشد، همان اثر عقد اصلی را دارد (کاتوزیان، ۱۳۸۲ش، ص ۴۱) و اما به موجب بند اول ماده ۱۵۸۹ قانون مدنی فرانسه، وعده بیع، ارزش عقد بیع را دارد و باعث انتقال مبیع است؛ ولی در مورد نکاح برای اینکه زوجین آینده تا آخرین لحظه درگرفتن تصمیم آزاد باشند، این اصل پذیرفته نشده است. اصل آزادی نامزدان در مورد وعده نکاح از سوی حقوقدانان کشوری‌های اسلامی نیز مورد تأیید قرار گرفته است (جواد حبیبی تبار، ۱۳۹۴، ص ۱۲۵).

در قانون افغانستان نیز با توجه به اهمیت قرارداد نکاح، این آزادی از طرفین سلب نگردیده است حق تصمیم‌گیری مجدد را از طرفین سلب نمی‌کند و طرفین ملزم به اعمال وعده‌شان نمی‌شوند چنان که قانونگذار مقرر می‌دارد: «نامزدی عبارت از وعده به ازدواج است؛ هر یک از طرفین می‌توانند از آن منصرف شوند» (قانون مدنی، م. ۶۴) و در جای دیگر مقرر می‌دارد: «تعهد به ازدواج... الزام آور نیست» (قانون احوال شخصیه، م. ۸۶).

با توجه به مواد قانونی فوق الذکر نامزدی، یک قرارداد جایز و تخلف پذیر است و هیچ کدام از آثار عقد نکاح را به دنبال ندارد؛ چون نامزدی فقط یک تعهد مبنی بر ایجاد عقد نکاح در آینده است و هیچ رابطه منطقی میان این قرارداد و آثار ناشی از عقد نکاح وجود ندارد. تنها فایده این قرارداد این است که طرفین برای شناخت متقابل در حد متعارف با هم می‌توانند صحبت کنند و در حد متعارف می‌توانند ظاهر همدیگر را ببینند.

اثر وجه التزام در قرارداد نامزدی

مقصود از وجه التزام این است که طرفین و یا یکی از آنها در یک قرارداد مستقل و یا در ضمن یک قرارداد لازم الاجرا متعهد می‌شود که در وقت مقرر عقد نکاح را ایجاد می‌کنم و در صورت تخلف از باب مثال مبلغ ۲۰۰۰۰۰۰ افغانی به جانب مقابل پرداخت می‌نمایم.

حال سوال این است که: با توجه به اینکه قرارداد نامزدی یک قرارداد جایز است آیا طرفین می‌توانند با حيله قانونی، این قرارداد را الزام آور نمایند؟

اگر چند قانونگذار در قانون مدنی ماده ۵۰۲ مقرر می‌دارد: «هر عقدی که علاوه بر شرایط عامه قراردادها، مخالف نظم و آداب عامه نباشد، صحیح است». در این قرارداد در ظاهر با نظم و اخلاق حسنه مخالفتی دیده نمی‌شود؛ چون تعهد به نکاح با قرار دادن وجه التزام مانند تعهد به معامله با قرار دادن وجه التزام است؛ پس باید بتوانیم که نامزد متعهد به وجه التزام را به وسیله محکمه به ایجاد عقد نکاح و یا پرداخت وجه التزام، اجبار نماییم؛ ولی ظاهر کلام قانونگذار در ماده ۶۴ قانون مدنی این است که: قرارداد نامزدی همواره یک قرارداد جایز است و به هیچ عنوان نامزد ملزم به اجرا عقد نکاح نمی‌گردد؛ چون قانونگذار جایز بودن آن را به صورت مطلق بیان نموده است و هیچ مورد استثنایی ذکر ننموده است و قانونگذار در قانون احوال شخصیه، هر گونه شبهه‌ای را در این مورد بر می‌دارد چنان که در ماده ۷۶ این قانون مقرر می‌دارد: «تعهد به ازدواج چه به صورت شرط ضمن عقد و یا به صورت قرارداد مستقل باشد، حتی اگر وجه التزام در آن تعیین شده باشد، الزام آور نیست و وجه التزام نیز قابل مطالبه نمی‌باشد»؛ این ماده قانونی بیانگر یک قاعده آمره است و آن اینکه جایز بودن وعده ازدواج مبتنی بر مصالح فردی و اجتماعی است و توافق بر خلاف آن در هر قالبی که باشد امکان ندارد؛ در نتیجه، قرارداد ازدواج چه به صورت یک قرارداد مستقل باشد و چه به صورت شرط در ضمن عقد لازم باشد و یا وجه التزامی برای آن تعیین شده باشد، از نظر قانون افغانستان، الزام آوری ندارند این بیان قانون گذار مورد تأیید حقوقدانان است (عبدالرسول دیانی، ۱۳۷۸، ص ۳۴)؛ فلسفه این حکم این است که قانونگذار ما؛ مانند قانون گذار سویس (قانون مدنی سویس، م. ۹۱) و قانونگذار آلمان (قانون مدنی آلمان، م. ۱۲۹۷)، نخواسته است تا آخرین وقت ممکن آزادی در امر ازدواج را، از افراد سلب نماید چون سلب آزادی در این مورد، موجب آسیب‌هایی فردی و اجتماعی

جبران ناپذیری می‌گردد.

وضعیت هدایا، عکس‌ها و نامه‌ها در فرض بهم خوردن نامزدی

با توجه به اینکه قرارداد نامزدی از قراردادهای جایز است (محمد صادقی، ۱۳۸۸، ص ۳۴) و هرکدام از طرفین می‌توانند، از آن انصراف بدهند و با توجه به اینکه در دوران نامزدی هدایا و احیاناً عکس‌ها و نامه‌هایی بین طرفین رد و بدل می‌شود، حال سوال این است که بعد از بهم خوردن نامزدی، آیا هدایا، عکس‌ها و نامه‌ها قابل مطالبه می‌باشند؟ از نظر حقوقدانان جواب این سوال مثبت است (محمد رسولی، ۱۳۸۶، ص ۲۶).

در این مورد، قانونگذار مقرر می‌دارد: «هرگاه نامزد به نامزد خود، هدیه داده باشد، هدیه‌دهنده می‌تواند در صورت انصراف جانب مقابل و موجودیت هدیه، عین یا قیمت روز خرید آن را مطالبه نماید. اگر انصراف از طرف هدیه‌دهنده صورت بگیرد و یا هدیه هلاک و یا استهلاک گردیده باشد، رد آن را به هیچ صورت مطالبه کرد نمی‌تواند» (قانون مدنی، م. ۷۲)؛ طبق این ماده قانونی، هدیه در صورتی قابل مطالبه است که چند شرط محقق باشد:

اولاً؛ هدیه دهند همچنان به قرارداد نامزدی پایبند باشد و فقط طرف مقابل انصراف داده باشد.

ثانیاً؛ عین هدیه موجود باشد.

با وجود شرایط فوق‌الذکر هدیه‌دهنده می‌تواند عین هدیه و یا قیمت روز خرید آن را (در صورت مصالحه)، مطالبه نماید اما اگر انصراف‌دهنده همان هدیه‌دهنده باشد و یا هر دو طرف انصراف داده باشند و یا عین هدیه تلف و یا اتلاف گردیده باشد، به هیچ وجه قابل مطالبه نیست؛ دلیل اینکه انصراف دهند حق مطالبه هدیه را ندارد، قاعده اقدام است؛ یعنی اقدام خودش باعث شده است که متضرر بشود و کسی که اقدام به ضرر خویش نماید، هیچ کس ضامن آن نیست؛ و دلیل دیگری که هر دو شرط را توجیه می‌کند، این است که هدیه نامزدی از نظر ماهوی، یکی از مصادق هبه قانونی است؛ پس مطابق احکام هبه قانونی، باید مورد بررسی قرار بگیرد و قانونگذار در مورد رجوع از هبه مقرر می‌دارد: «واهب می‌تواند به موافقت موهوب له از هبه رجوع نماید در صورت عدم موافقه موهوب له، واهب از محکمه اجازه رجوع را حاصل می‌کند، مشروط بر اینکه مستند به عذر معقول بوده و مانع رجوع موجود نشده باشد» (قانون مدنی، م. ۱۲۰۱). مطابق این ماده قانونی، رجوع از هبه در صورت مورد حمایت قانونی قرار می‌گردد که ۲ شرط محقق باشد:

اولاً؛ رجوع از هبه بخاطر یک عذر معقول باشد.

ثانیاً؛ مانع رجوع موجود نشده باشد.

شرط اول حق مطالبه هدیه نامزدی (هدیه‌دهنده همچنان به قرارداد نامزدی پایبند باشد و فقط طرف مقابل انصراف داده باشد)، بر پایه شرط اول رجوع از هبه و شرط دوم حق مطالبه هدیه نامزدی

(عین هدیه موجود باشد)، بر پایه شرط دوم رجوع از هبه، توجیه پذیر است چون قانونگذار در مواد دیگر از قانون مدنی، هم مصادیق عذر معقول و هم مصادیق مانع رجوع را مشخص نموده است و با توجه به آن مواد، به راحتی می‌توان فهمید که چرا قانونگذار، حق مطالبه هدیه نامزدی را مشروط به آن دو شرط نموده است و در ادامه نخست بیان قانونگذار را در مورد «عذر معقول» و «مانع رجوع» در باب هبه قانونی، مورد توجه قراردادده و آنگاه بر پایه آن، شرایط حق مطالبه هدیه نامزدی را به بررسی می‌گیریم:

قانونگذار در قانون مدنی، مصادیق عذر معقول را بیان نموده است؛ یکی از مصادیق آن این است که: «موهوب له و جایب خویش را در مقابل واهب طوری اخلاص نماید که عملش بی‌اعتنایی مطلق در برابر او تلقی شود» (قانون مدنی، م. ۱۲۰۲). قانونگذار در قانون مدنی مصادیق مانع رجوع از هبه را نیز بیان نموده است؛ یکی از مصادیق آن این است که: «عین موهوبه، تلف گردد و یا از بین برده شود» (قانون مدنی، م. ۱۲۱۰)؛ با توجه به بیان قانونگذار، در مورد «عذر معقول» و «مانع رجوع» در باب هبه قانونی، به خوبی روشن می‌شود که چرا قانونگذار حق مطالبه نامزدی را مشروط به آن دو شرط نموده است؛ دلیل اینکه قانونگذار، انصراف طرف مقابل را برای حق مطالبه هدیه نامزدی، شرط نموده است به این خواطر است که می‌خواهد برای رجوع‌کننده، عذر معقولی را درست کند و آن عذر معقول عدم عمل کردن موهوب له به وعده نامزدی و بی‌اعتنایی او به قرارداد نامزدی است؛ بنابراین اگر هدیه‌دهنده خود، از نامزدی انصراف داده باشد، حق مطالبه هدیه نامزدی را ندارد؛ چون هیچ عذر معقول و منطقی برای مطالبه هدیه ندارد؛ دلیل اینکه قانونگذار در مورد هدیه نامزدی در صورت تلف و یا اتلاف، حق مراجعه را از هدیه‌دهنده سلب نموده است، این است که در این فرض، یکی از موانع رجوع موجود است و آن اینکه، مال موهوبه در صورتی که هلاک و یا استهلاک گردیده باشد، قابل مطالبه نیست؛ چون هلاک و یا استهلاک یکی از موانع رجوع است.

با دقت در حکم قانونگذار در مورد هدیه نامزدی، اشکالی به نظر می‌رسد و آن اینکه: قانونگذار در ماده ۶۵ قانون مدنی به طور مطلق مقرر می‌دارد: «اگر انصراف از جانب مقابل باشد، هدیه‌دهنده حق مراجعه برای مطالبه هدیه را دارد»؛ همان طور که بیان شد، قانونگذار می‌خواهد با این شرط یک عذر منطقی و معقول برای هدیه‌دهنده درست نماید تا او بتواند هدیه خویش را مطالبه نماید. اما اشکال این است که در مواردی زیادی منشاء انصراف طرف مقابل از وعده نامزدی، در خود هدیه‌دهنده است؛ از باب نمونه هدیه‌دهنده دارای عیوبی بوده که تا به حال مخفی نگه داشته است و یا گرفتار یکی از امراض مسری بوده است که تاکنون معلوم نبوده است؛ حال اگر طرف مقابل که بر اساس اصل سلامت و اصل عدم عیب با او وعده ازدواج داده است به خاطر اطلاع از عیب و یا مرض خطرناک، از وعده نامزدی انصراف داد، آیا می‌توان گفت که این انصراف یک عذر معقول و

منطقی برای مطالبه هدیه نامزدی است؟! یا اینکه باید بگوییم که در این فرض، نه تنها هدیه‌دهنده حق مراجعه ندارد؛ بلکه انصاف و عدالت حکم می‌کند که اگر هدیه‌دهنده از این عیب و مرض، آگاهی داشته است و به طرف مقابل اطلاع نداده است، طرف مقابل نه تنها می‌تواند به این وعده وفادار نباشد؛ بلکه می‌تواند، خسارت‌های ناشی از بهم خوردن این وعده را نیز از هدیه‌دهنده مطالبه نماید. حکم قانونگذار در جانب منفی قضیه نیز گرفتار اشکال است؛ چونکه قانونگذار در جانب منفی قضیه نیز، به طور مطلق مقرر می‌دارد که: «اگر انصراف از طرف هدیه‌دهنده صورت بگیرد، به هیچ وجه هدیه را مطالبه کرده نمی‌تواند»؛ اشکال این است که در موردی که پشیمانی هدیه‌دهنده ریشه در طرف مقابل داشته باشد؛ از باب نمونه طرف مقابل عیوبی داشته است اما مخفی نموده است و یا امراضی داشته است و با نامزدش در میان نگذاشته باشد و حال اینکه از نظر عرفی وعده ازدواج مبتنی بر سلامت از عیوب و امراض است اما در زمان دیگر این عیوب و یا امراض کشف شده است؛ لذا هدیه‌دهنده پشیمان گردیده است آیا در این فرض می‌توانیم بگوییم که هدیه‌دهنده هیچ عذر منطقی و معقول برای مطالبه هدیه ندارد؟!!

پس خوب بود که قانونگذار این ماده را این گونه تنظیم می‌کرد: هدیه‌دهنده می‌تواند در صورت انصراف جانب مقابل و موجودیت هدیه، عین و یا قیمت روز خرید آن را مطالبه نماید؛ مشروط بر اینکه انصراف آن، ناشی از یک عذر منطقی نباشد. اگر انصراف از طرف هدیه‌دهنده صورت بگیرد و یا هدیه هلاک و یا استهلاک گردیده باشد، رد آن را به هیچ صورت مطالبه کرده نمی‌تواند اما مشروط بر اینکه انصراف، ناشی از یک عذر منطقی نباشد که در این فرض در صورت موجودیت هدیه عین و یا قیمت آن را می‌توان مطالبه کرد و آنگاه در یک تبصره عذر منطقی را واضح می‌ساخت که مراد این است: که منشاء پشیمان و انصراف، عیوب و یا امراضی باشد که در جانب مقابل وجود داشته‌اند و در زمان بعد کشف شده‌اند.

قانونگذار در قانون احوال شخصیه مقررات واضح‌تری راجع به هدیه نامزدی دارد؛ چنانکه مقرر می‌دارد: عین و یا قیمت هدایا در صورت فسخ نامزدی، تحت شرایط ذیل قابل مطالبه است:

۱. در صورتی که هدایای مصرفی قبل از فسخ قرارداد نامزدی مصرف نشده باشد.
۲. در صورتی که هدایای غیر مصرفی که عرفاً نگهداری می‌شوند، تلف نشده باشد ولی در صورت تلف با تقصیر قابل مطالبه است.
۳. در صورت فوت یکی از نامزدان هدایای مصرفی ای که به مصرف رسیده‌اند، قابل مطالبه نمی‌باشد (قانون احوال شخصیه، م. ۷۹).

از این ماده قانونی به دست می‌آید که قانونگذار احوال شخصیه، هدیه نامزدی غیر مصرفی را، از مصادیق هبه قانونی نمی‌داند؛ بلکه از مصادیق امانت به معنای عام می‌داند و هدیه‌دهنده را مسئول

حفاظت از آن می‌داند و او وظیفه دارد که از عین مواظبت نماید اگر در قبال حفاظت آن بی احتیاطی و یا بی‌مبالاتی نماید، مقصر شناخته می‌شود و باید خسارات پدید آمده را جبران نماید؛ اما هدایا مصرفی؛ چون با انتفاع عین آنها از بین می‌روند و آنها را برای انتفاع هم به طرف مقابل داده است لذا، نمی‌تواند از مصادیق امانت باشد و در نتیجه یا از مصادیق هبه است و یا از مصادیق اباحه انتفاع می‌باشد که در هر دو صورت فقط قبل از مصرف قابل مطالبه است.

با توجه به اطلاق ماده فوق‌الذکر هدیه مصرفی (قبل از مصرف) و هدیه غیر مصرفی (در صورت بقاء عین یا تقصیر هدیه گیرنده)، به طور مطلق قابل مطالبه است فرق نمی‌کند که انصراف از طرف مقابل باشد یا از طرف هدیه‌دهنده و این اطلاق با مبنای قانونگذار (امانت بودن هدیه) سازگاری دارد. این ماده از جهت دیگر نیز اطلاق دارد و آن اینکه قانونگذار مقرر می‌دارد: در صورت فوت یکی از نامزدان، هدایای مصرفی که به مصرف رسیده‌اند، قابل مطالبه نمی‌باشد. این کلام ظهور دارد که هدایای غیر مصرفی در صورت فوت یکی از نامزدان به طور مطلق قابل مطالبه است. ظاهر این بند با مبنای قانونگذار (امانت بودن هدیه) سازگاری ندارد پس باید این بند مطابق مبنای قانونگذار تفسیر شود و آن اینکه منظور قانونگذار این است: هدایای غیر مصرفی در صورت بقای آن و یا در صورت تقصیر هدیه گیرنده در صورت فوت یکی از نامزدان قابل مطالبه است. بدون شک وارثان نامزد فوت شده نیز با همان شرایط می‌توانند از طرف مقابل، هدایای نامزد فوت شده را مطالبه نمایند. این نظریه مورد تأیید تعداد زیادی از حقوقدانان است (غلام رضا موحدیان، ۱۳۴۹، ص ۱۰).

قانونگذار در قانون مدنی از لزوم و یا عدم لزوم استرداد نامه‌ها و عکس‌هایی که نامزدان رد و بدل نموده‌اند و یا با هم گرفته‌اند، صحبتی به میان نیاورده است؛ اما در قانون احوال شخصیه این مورد را نیز، مورد توجه قرار داده است و چنین مقرر می‌دارد:

۱) عکس‌ها و نامه‌هایی که بین نامزدان مبادله گردیده است، در حکم اموال غیرمصرفی بوده، نوعاً نگهداری می‌شوند و در صورت مطالبه مسترد می‌گردند.

۲) استفاده از نامه‌ها و عکس‌ها و مکالمات ثبت شده، غرض ضرر طرف دیگر جانش نمی‌باشد (قانون احوال شخصیه، م. ۸۰).

از این ماده به دست می‌آید که در صورتی که یک طرف نامه‌ای برای طرف مقابل نوشته و نامه‌ای از او دریافت نموده است و یا عکسی به او داده است و عکسی از او دریافت نموده است، این نامه‌ها و عکس‌ها چون مال طرف مقابل است، قابل مطالبه می‌باشد؛ البته مشروط به اینکه عین آن‌ها باقی باشد و یا نامه‌ها و عکس‌ها از نظر عرفی از اهمیت بالایی برخوردار بوده ولی گیرنده از آن حفاظت نکرده است، اما حکم عکس‌هایی که کسی به طرف مقابل نداده است؛ بلکه او این عکس‌ها را با دوربین خود و یا با مصرف خود تهیه نموده است، از این ماده قابل استفاده نیست؛ چون در این

صورت چیزی به او نداده است تا از او پس بگیرد. در این فرض فقط نامزد می‌تواند از طریق مصالحه و یا از طریق محکمه، عکس‌هایش را بگیرد و یا امحا نماید؛ بدین توضیح که: در صورتی که نامه‌ها و عکس‌ها هنوز مورد سوء استفاده قرار نگرفته‌اند، شخصی که عکس‌ها و نامه‌ها متعلق به اوست می‌تواند با مصالحه در بدل چیزی آن عکس‌ها و نامه‌ها را از طرف مقابل بگیرد و یا از او بخواهد که عکس‌ها و نامه‌ها را امحا نماید، اما اگر نامه‌ها و عکس‌ها به ضرر او مورد سوء استفاده قرار گرفته‌اند، در این صورت می‌تواند شکایت کند و خواهان جبران ضرروزیان گردد و در ضمن خواهان استرداد عکس‌ها و نامه‌ها گردد و یا از محکمه بخواهد که آن‌ها را امحا نماید.

خسارات پدید آمده از بهم خوردن نامزدی

با وجود اینکه نامزدی از جهت ازدواج اثر الزام‌آوری ندارد، ولی برهم زدن آن، ممکن است منشا خسارت باشد؛ زیرا این دوران به طور معمول، پرهزینه است و بین طرفین رابطه مالی ایجاد می‌شود. ممکن است طرفین به ویژه مرد، در این دوران متحمل هزینه‌های زیادی بشوند که در اثر برهم خوردن نامزدی این هزینه‌ها جنبه خسارت پیدا می‌کند. این هزینه‌ها از مقوله‌ی مسئولیت مدنی است و جنبه قراردادی ندارد (مرتضی یوسف‌زاده، ۱۳۹۲، ص ۲۷۹).

آیا از باب الزامات خارج از قرارداد که در مسئولیت مدنی قابل توجه است، این خسارت‌ها قابل مطالبه است یا نه؟

فقها قدیم در این مورد اظهار نظر نکرده‌اند؛ ولی فقها جدید در پاسخ به این سوال اختلاف نظر دارند؛

از نظر حقوقدانان جواب این سوال مثبت است؛ از دیدگاه آنان اگر یکی از نامزدان در برهم زدن نامزدی مرتکب تقصیر شده باشد، طبق قواعد عمومی مسئولیت مدنی و سوء استفاده از حق، طرف مقابل حق مطالبه خسارت را خواهد داشت (صفایی و امامی، ۱۳۹۵، ص ۴۲؛ محمد السباعی، بی تا، ص ۵۷).

قانونگذار افغانستان در قانون احوال شخصیه با پذیرش این دیدگاه چنین مقرر می‌دارد: «هرگاه یکی از نامزدان، قرارداد نامزدی را بدون دلیل قانونی و یا عذر موجه بعد از قبول، فسخ کند، مکلف به پرداخت مخارج ضروری می‌باشد که برای مقدمات ازدواج از جانب مقابل به اعتبار وقوع ازدواج، مصرف شده است» (قانون احوال شخصیه، ماده ۷۸).

از این ماده به دست می‌آید که خسارت ناشی از بهم خوردن نامزدی، در صورتی قابل مطالبه است که نامزدی از طرف جانب مقابل بدون دلیل منطقی بهم خورده باشد و این بهم زدن، بعد از قبول باشد. در این صورت خسارت ناشی از بهم خوردن نامزدی قابل مطالبه است آن هم فقط مخارج ضروری قابل مطالبه است؛ در نتیجه مخارجی که قبل از قبول نامزدی برای جلب توجه و اخذ

رضایت طرف مقابل، انجام شده است، قابل مطالبه نیست و همچنین مخارجی که بعد از قبول بوده است ولی عرف آن مخارج را برای نامزدی ضروری نمی‌داند، قابل مطالبه نمی‌داند و اینکه کدام مخارج ضروری برای نامزدی است و کدام مخارج ضروری نیست، توسط عرف محل نامزدی تعیین می‌شود.

قانونگذار در قانون مدنی مسئولیت مدنی ناشی از بهم خوردن نامزدی را متذکر نشده است اما قانونگذار در قانون مذکور یک قاعده عام بیان می‌کند که مسئولیت مدنی ناشی از بهم خوردن نامزدی را در صورتی که بهم‌زننده مقصر باشد، می‌تواند از مصادیق آن قاعده باشد. قانونگذار مقرر می‌دارد: هرگاه به اثر خطا و یا تقصیر، ضرری به غیر، عائد گردد، مرتکب به جبران خسارت مکلف می‌باشد (قانون مدنی، ماده ۷۷۶)؛ بدون شک در صورتی که بهم‌زننده نامزدی مقصر باشد و موجب ضرر و زیان به طرف مقابل گردیده باشد، طبق این قاعده، طرف مقابل می‌تواند ضرر و زیانش را مطالبه نماید.

نتیجه‌گیری

این تحقیق با بررسی نامزدی در قانون مدنی و قانون احوال شخصیه شیعیان افغانستان به نتایج ذیل دست یافته است:

۱- نامزدی از نظر قانون مدنی و قانون احوال شخصیه یک قرارداد جایز است و طرفین می‌توانند آن را نقض کنند.

۲- نامزدی در صورت مورد حمایت قانونی قرار می‌گیرد که علاوه بر شرایط عمومی قراردادها شرایط ویژه‌ای را که از قانون برای نامزدی فهمیده می‌شود نیز داشته باشد که آن شرایط ویژه عبارت‌اند از: زن مورد خواستگاری باید خالی از موانع نکاح باشد و مرد خواستگار مانع ازدواج نداشته باشد و سنی را که برای اهلیت ازدواج در قانون بیان شده است، باید داشته باشند.

۳- نامزدی از نظر قانونی هیچ کدام از آثار نکاح را ندارد پس رابطه زوجیت بین طرفین ایجاد نمی‌شود و تنها فایده آن این است که در حد متعارف برای شناخت یک دیگر با هم می‌توانند صحبت کنند و همچنین می‌توانند در حد متعارف بهم نگاه کنند.

۴- قرارداد وجه التزام هیچ اثری در قرارداد نامزدی ندارد و در صورت تخلف متعهد به پرداخت وجه التزام، ملزم به پرداخت آن نمی‌شود.

۵- هدایای نامزد در صورت بهم خوردن نامزدی طبق قانون مدنی در صورتی قابل مطالبه است که عین هدیه باقی باشد و هدیه‌دهنده همچنان به قرارداد نامزدی پایبند باشد اما مطابق قانون احوال شخصیه، هدایای مصرفی قبل از مصرف و هدایای غیر مصرفی که عین‌اش باقی و یا در صورتی که هدیه‌گیرنده در محافظت از آن تقصیر نموده باشد، قابل مطالبه است.

۶- عکس‌ها و نامه‌هایی که از طرف مقابل دریافت شده است در حکمی هدایای غیر مصرفی است اما عکس‌هایی که طرف مقابل با دوربین خودش و یا با مصرف خودش تهیه نموده باشد از طریق مصالحه و در صورت سوء استفاده از طریق محکمه قابل درخواست استرداد و یا امحاء است.

۷- هرگاه یکی از نامزدان بدون عذر منطقی و یا دلیل قانونی نامزدی را بعد از قبول بهم بزند با توجه به قانون احوال شخصیه ملزم به پرداخت مخارج ضروری طرف مقابل می‌باشد و مطابق قانون مدنی ماده ۷۷۶ در صورتی که نامزد بهم‌زننده نامزدی مقصر باشد، طرف مقابل می‌تواند ضررها و زیان‌هایش را از او مطالبه نماید.

منابع

۱. حبیبی تبار، جواد (۱۳۹۴)، گام به گام حقوق خانواده، تهران، نشر میزان.
۲. حسین، صفایی و امامی، اسدالله (۱۳۹۵ش)، مختصر حقوق خانواده، تهران، نشر میزان.
۳. حیاتی، علی عباس (۱۳۹۳)، حقوق خانواده، تهران، نشر میزان.
۴. دهخدا، علی اکبر (۱۳۴۱ش)، لغت نامه دهخدا، تهران، دانشگاه تهران.
۵. دیانی، عبدالرسول (۱۳۷۸)، حقوق خانواده (ازدواج و انحلال آن)، تهران، میزان.
۶. رسولی، محمد (۱۳۸۶)، حقوق خانواده، تهران، آوای نور.
۷. السباعی، مصطفی (بی تا)، شرح قانون الاحوال الشخصیه، عمان، مکتبه الثقافیه.
۸. صادقی، محمد (۱۳۸۸)، احوال شخصیه اهل سنت (نکاح در مذهب شافعی و حنفی)، تهران، خرسندی.
۹. عمید، حسن (۱۳۷۶ش)، فرهنگ عمید، تهران، امیرکبیر.
۱۰. قانون احوال شخصیه شیعیان افغانستان.
۱۱. قانون مدنی افغانستان.
۱۲. قانون مدنی آلمان، م. ۱۲۹۷؛ به نقل از کاتوزیان ناصر، دوره مقدماتی حقوق مدنی (حقوق خانواده)، تهران، نشر میزان.
۱۳. قانون مدنی سویس، به نقل از کاتوزیان، ناصر دوره مقدماتی حقوق مدنی (حقوق خانواده).
۱۴. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۲ش)، دوره مقدماتی حقوق مدنی (حقوق خانواده)، تهران، نشر میزان.
۱۵. گروهی از نویسندگان (۱۳۷۸ش)، بررسی حقوق تطبیقی خانواده، تهران، دانشگاه تهران.
۱۶. محقق داماد، مصطفی (۱۳۹۰)، بررسی فقهی - حقوقی حقوق خانواده (نکاح و انحلال آن)، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی.
۱۷. موحدیان، غلام رضا (۱۳۹۴)، حقوق و روابط مالی زوجین، تهران، میزان.
۱۸. یوسف زاده، مرتضی (۱۳۹۲ش)، حقوق مدنی ۵ (حقوق خانواده)، تهران، سهامی انتشار.